

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# قدرت نرم و تهدید سخت!

ارزیابی تهدیدات دولت آمریکا

(۲۰۰۷-۲۰۰۹)

نویسندگان:

جان د. نگروپونته و همکاران

مقدمه

دکتر اصغر افتخاری

مترجمان:

محمد عباسی، سید حمیدرضا سیدی



## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
مقدمه: استراتژی سخت و استراتژی نرم.....	۱۵
کلیات.....	۱۵
۱. تبارشناسی استراتژی‌ها.....	۱۷
۱-۱. رویکرد سنتی.....	۱۷
۲-۱. رویکرد فراستی.....	۱۸
۳-۱. رویکرد مدرن.....	۱۹
۴-۱. رویکرد پست مدرن.....	۲۱
۱-۴-۱. تراکم زمانی.....	۲۱
۲-۴-۱. تراکم مکانی.....	۲۱
۲. گونه‌شناسی استراتژی.....	۲۲
۱-۲. استراتژی سخت.....	۲۳
۲-۲. استراتژی نرم.....	۲۴
۳. ضد استراتژی.....	۲۶

۶ □ قدرت نرم و تهدید سخت

۲۶	۱-۳. ضد استراتژی به مثابه یک واکنش انفعالی.....
۲۷	۲-۳. ضد استراتژی به مثابه یک اقدام فعال.....
۳۱	نتیجه گیری.....
۳۴	یادداشت‌ها.....
۳۷	فهرست منابع.....
۴۱	درآمدی تحلیلی بر کتاب.....
۴۹	یادداشت مترجمان.....
۵۵	فصل ۱. ارزیابی تهدیدات آمریکا در سال ۲۰۰۷.....
۵۵	کلیات.....
۵۷	۱-۱. تروریسم.....
۶۰	۱-۱-۱. عراق، افغانستان و پاکستان.....
۶۳	۲-۱. غنی سازی.....
۶۴	۳-۱. درگیری‌های منطقه‌ای: بی‌ثباتی و از سرگیری نفوذها.....
۶۵	۴-۱. خاورمیانه، ایران جسور.....
۶۷	۵-۱. آشفته‌گی در بیشتر کشورهای آفریقا.....
۶۸	۶-۱. آمریکای لاتین.....
۷۰	۷-۱. جریان‌های مخالف در آسیا.....
۷۰	۱-۷-۱. شمال شرقی آسیا.....
۷۱	۲-۷-۱. آسیای جنوبی.....
۷۳	۳-۷-۱. اوراسیا در تغییرات.....
۷۴	۴-۷-۱. سایر کشورهای اوراسیا و بالکان.....
۷۵	نتیجه گیری.....

فصل ۲. ارزیابی تهدیدات آمریکا در سال ۲۰۰۸.....	۷۷
کلیات .....	۷۷
۱-۲. تروریسم .....	۸۲
۱-۱-۲. القاعده .....	۸۴
۲-۱-۲. تهدید شیمیایی، بیولوژیک، رادیولوژیک و هسته‌ای القاعده .....	۸۶
۳-۱-۲. وابستگان القاعده .....	۸۶
۴-۱-۲. تهدید داخلی .....	۹۰
۵-۱-۲. تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی: شرایط حساس قابل توجه .....	۹۲
۶-۱-۲. برنامه‌های موشکی و سلاح‌های کشتار جمعی ایران و کره شمالی .....	۹۴
۲-۲. هند و پاکستان، رقبای هسته‌ای .....	۱۰۱
۳-۲. تهدید مجازی .....	۱۰۲
۴-۲. افغانستان .....	۱۰۴
۱-۴-۲. وخامت امنیتی در جنوب .....	۱۰۵
۲-۴-۲. اقتدار و نفوذ دولت مرکزی .....	۱۰۶
۵-۲. اوضاع امنیتی عراق .....	۱۰۷
۱-۵-۲. چالش‌های امنیتی .....	۱۰۹
۲-۵-۲. همسایگان، و چالش‌های امنیتی .....	۱۱۰
۳-۵-۲. اجزای حیاتی امنیت عراق .....	۱۱۱
۶-۲. ترکیه .....	۱۱۲
۷-۲. ایران .....	۱۱۳
۸-۲. پاکستان .....	۱۱۶
۹-۲. سوریه .....	۱۱۷
۱۰-۲. لبنان .....	۱۱۹

۸ □ قدرت نرم و تهدید سخت

- ۱۲۰..... ۱۱-۲. قلمرو فلسطینیان
- ۱۲۱..... ۱۲-۲. عربستان سعودی
- ۱۲۲..... ۱۳-۲. روسیه و اورآسیا
- ۱۲۳..... ۱-۱۳-۲. عوامل شکوفایی مجدد روسیه
- ۱۲۵..... ۲-۱۳-۲. اورآسیا و بالکان در نوسان
- ۱۲۶..... ۳-۱۳-۲. روندها در آسیای میانه
- ۱۲۸..... ۱۴-۲. چین
- ۱۳۰..... ۱-۱۴-۲. ثبات داخلی، نگرانی‌های اقتصادی
- ۱۳۲..... ۲-۱۴-۲. مدرن‌سازی ارتش آزادی‌بخش خلق
- ۱۳۳..... ۱۵-۲. تهدید علیه سامانه‌های فضایی
- ۱۳۳..... ۱۶-۲. آمریکای لاتین
- ۱۳۴..... ۱-۱۶-۲. ونزوئلا
- ۱۳۸..... ۲-۱۶-۲. کوبا
- ۱۳۹..... ۳-۱۶-۲. کلمبیا
- ۱۴۱..... ۴-۱۶-۲. مکزیک
- ۱۴۳..... ۱۷-۲. آفریقا
- ۱۴۳..... ۱-۱۷-۲. تهدیدات علیه منافع آمریکا در نیجریه
- ۱۴۷..... ۱۸-۲. امنیت انرژی جهانی
- ۱۴۷..... ۱-۱۸-۲. عوامل تشدید قیمت‌ها
- ۱۵۰..... ۲-۱۸-۲. ثروت بادآورده‌ای برای تولیدکنندگان
- ۱۵۱..... ۱۹-۲. قیمت‌های جهانی در حال افزایش مواد غذایی
- ۱۵۲..... ۲۰-۲. بیماری‌های عفونی
- ۱۵۳..... نتیجه‌گیری



فصل ۳. ارزیابی تهدیدات آمریکادر سال ۲۰۰۹.....	۱۵۵
کلیات .....	۱۵۵
۱-۳. بحران‌های اصلی .....	۱۵۶
۲-۳. رهایی از خطر افراطی‌گری خشن .....	۱۵۹
۳-۳. القاعده اصلی و مرکزی .....	۱۶۶
۱-۳-۳. القاعده مغرب اسلامی .....	۱۶۷
۲-۳-۳. القاعده یمن .....	۱۶۹
۳-۳-۳. القاعده شرق آفریقا .....	۱۶۹
۴-۳-۳. القاعده و تهدید داخلی .....	۱۷۰
۵-۳-۳. تهدید از جانب حزب‌الله لبنان .....	۱۷۱
۴-۳. هلال بی‌ثباتی .....	۱۷۲
۱-۴-۳. دورنمای متغیر ژئوپولیتیک در خاورمیانه .....	۱۷۳
۲-۴-۳. تشدید درگیری در سرزمین‌های شرق مدیترانه .....	۱۷۸
۳-۴-۳. عراق باثبات‌تر، وزنه تعادل .....	۱۸۵
۴-۴-۳. ارتباطات افغانستان - پاکستان .....	۱۹۰
۵-۳. تولید و گسترش تسلیحات کشتار جمعی .....	۱۹۵
۱-۵-۳. برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران .....	۱۹۶
۲-۵-۳. تهدید موشکی ایران .....	۲۰۰
۶-۳. تهدید تروریستی نامتعارف (شیمیایی، میکروبی و ...)	۲۰۱
۷-۳. آسیای در حال ظهور .....	۲۰۲
۸-۳. دگرگونی و تبدیل (استحاله) چین .....	۲۰۳

- ۲۰۷..... ۹-۳. عملگرایی هندی
- ۲۰۹..... ۱۰-۳. مقاصد هسته‌ای کره شمالی
- ۲۱۳..... ۱۱-۳. چالش‌های فزاینده در روسیه و اورآسیا
- ۲۱۵..... ۱۲-۳. اورآسیا / قفقاز آسیای مرکزی
- ۲۱۷..... ۱۳-۳. بالکان
- ۲۱۹..... ۱۴-۳. روزهای دشوار آمریکای لاتین
- ۲۲۱..... ۱-۱۴-۳. مکزیک
- ۲۲۴..... ۲-۱۴-۳. کلمبیا
- ۲۲۷..... ۳-۱۴-۳. ونزوئلا
- ۲۳۰..... ۴-۱۴-۳. کوبا
- ۲۳۲..... ۵-۱۴-۳. بولیوی
- ۲۳۳..... ۱۵-۳. آفریقا: عقب‌ماندگی بسیار
- ۲۳۶..... ۱-۱۵-۳. جمهوری دموکراتیک کنگو
- ۲۳۷..... ۲-۱۵-۳. نیجریه
- ۲۳۸..... ۳-۱۵-۳. سودان
- ۲۴۰..... ۴-۱۵-۳. سومالی
- ۲۴۱..... ۵-۱۵-۳. زیمبابوه
- ۱۶-۳. تهدید فزاینده جرائم مجازی (اینترنتی) و سازمان‌یافته: تهدیدهای  
 فراروی زیربنای فن‌آوری اطلاعات ایالات متحده..... ۲۴۴
- ۱-۱۶-۳. فعالیت مغرضانه در اینترنت نیز با سرعت رو به افزایش است..... ۲۴۶
- ۲-۱۶-۳. تهدیدهای دولتی (کشوری) و غیردولتی (غیرکشوری)..... ۲۴۷

فهرست مطالب □ ۱۱

۲۴۸.....	۱۷-۳. ابتکار عمل جامع ملی امنیت مجازی .....
۲۵۰.....	۱۸-۳. تهدید فزاینده جرائم سازمان یافته فراملی .....
۲۵۲.....	۱۹-۳. امنیت زیست محیطی .....
۲۵۸.....	۲۰-۳. سلامت جهانی .....
۲۶۱.....	نتیجه گیری .....
۲۶۳.....	نمایه ها .....



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا لَأَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي

فَضَّلْنَا عَلَيَّ كَثِيرًا مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

### سخن ناشر

مطالعه نظریه قدرت نرم، اگر چه از حیث فلسفی و شناختی امری ضروری و جذاب می‌نماید؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که «قدرت نرم» صرفاً یک نظریه تحلیلی برای شناخت نیست، بلکه دارای ارزش عملیاتی می‌باشد. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با عنایت به ضرورت پژوهش همه جانبه در این زمینه، از سال ۱۳۸۷ طرح مطالعاتی قدرت نرم را که شامل بخش‌های مهمی چون شناخت قدرت نرم، نقد و ارزیابی نظریه‌های غربی، و تولید نظریه اسلامی و ایرانی قدرت نرم می‌شود؛ تعریف و اجرا نمود. معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام امیدوار است نتایج حاصل آمده از این پروژه که به بیش از ۳۰ عنوان اثر بالغ می‌شود، مورد توجه علاقمندان قرار گرفته و از این طریق گفتمان تازه‌ای در مطالعات قدرت نرم در ایران شکل بگیرد.

ناشر ضمن استقبال از نظرات اصلاحی و تکمیلی، آمادگی خود را برای دریافت و نشر سایر متون مرتبط - بویژه با تأکید بر رویکردهای اسلامی - ایرانی و توجه به مسایل خاورمیانه و ایران اعلام می‌دارد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

## مقدمه

### استراتژی سخت و استراتژی نرم

دکتر اصغر افتخاری\*

## کلیات

در دهه‌های آینده ساختار جهانی تازه ای برپایه همکاری در گسترده جهانی شکل خواهد گرفت که بر بنیاد واقعیت‌های ژئوپلیتیکی بازیگران قرار داد. کار ویژه این گروه مسلط و محوری ... تضمین ثبات و صلح جهانی است ... در چنین ساختاری به گونه‌ای متفاوت باید بازی «قدرت» را انجام داد (Brezinski, 1997.p.215).

چنانکه «زیگنیو برژینسکی» (Zbigniew Brezinski) به سال ۱۹۹۷ پیش‌بینی نموده بود، با تغییر ساختار و نظم بین‌المللی تحول بنیادینی در معادلات استراتژیک بر روی صفحه شطرنج سیاست بین‌الملل پدید آمده که نمود بارز آن را می‌توان در اصلاح رفتار پاره‌ای از بازیگران و ظهور استراتژی‌های مبتنی بر قدرت نرم، مشاهده نمود. البته ابعاد و سطوح این تحول به مراتب پیچیده‌تر از آن بودند که «برژینسکی» گمان می‌زد. به همین

---

\* عضو هیات علمی و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)

- <http://www.Eftekhary.ir>  
- Eftekhari\_asg@yahoo.com  
- asg.eftekhari@gmail.com

دلیل است که تحلیلگرانی چون «هنری کسینجر» (Henry Kissinger) در کمتر از چهار سال بعد، با تأکید بر ابعاد انتقادی استراتژی دولت آمریکا، قائل به ضرورت ابتکار عمل بیشتر این کشور در عرصه مدیریت استراتژیک مسائل جهانی می‌شوند. از این رویکرد «استراتژی جهانی» (Global Strategy) دولت آمریکا می‌بایست کاملاً فعال و بر مبنای حذف استراتژی‌های معارض، و حتی مخالف، قرار می‌داشت (Kissinger, 2001). به عبارت دیگر ایده «برخورد استراتژی‌ها» که از دیرباز وجود داشته و در دوران جنگ سرد به اوج رشد و تعالی‌اش می‌رسد، در این مقطع زمانی معنا و مفهوم تازه‌ای می‌یابد (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۲، بخش ۲).

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در واقع ایده «تعارض استراتژی‌ها» را دچار بحران ساخت و بدین ترتیب الگوهای استراتژیک مقابله سنتی، فلسفه وجودی‌شان را از دست دادند. در چنین فضایی است که شاهد شکل‌گیری اندیشه تازه‌ای در حوزه تحلیل‌های استراتژیک می‌باشیم که هدف از آن نه تعارض و برخورد با ابرقدرت یا قدرت‌های معارض (مانند دوران جنگ سرد) بلکه ارتقای جایگاه بازیگر با هدف ایجاد تعادل در معادلات استراتژیک با استفاده از منابع نرم‌افزاری قدرت می‌باشد. طبیعی است که برخورد با این گونه از استراتژی‌ها مستند به بنیادهای فلسفی و منابع سیاسی - اقتصادی پیشین، میسر نمی‌باشد. به همین دلیل است که «ابرقدرت» به جای مانده از دوران جنگ سرد، طرح جدیدی را به اجرا می‌گذارد که از آن می‌توان به «ضد استراتژی فعال» تعبیر نمود (ایکنبری، ۱۳۸۲، بخش ۲). به عبارت دیگر «ضد استراتژی‌های فعال» مقولات نوینی ارزیابی می‌شوند که از طریق اصلاح و



تکمیل «استراتژی‌های تقابل سنتی» - با استفاده از قدرت نرم - متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی قرن ۲۱ حاصل آمده‌اند.

### ۱. تبارشناسی استراتژی‌ها

جهت درک ماهیت استراتژی، همانند سایر پدیده‌های سیاسی - اجتماعی، بایستی نسبت به سیر تکوین و تحول آن در بستر تاریخ توجه داشت. دلیل این امر آن است که عناصر مقوم پدیده‌ها، هویتی تاریخی دارند و تنها از طریق تبارشناسی است که می‌توان به تصویری جامع و کاربردی از آنها دست یافت. در بحث از استراتژی می‌توان سه رویکرد زیر را از یکدیگر تمیز داد:

#### ۱-۱. رویکرد سنتی

ویژگی بارز «رویکرد سنتی» (Traditional Approach) پیوست استراتژی با مفهوم محوری «جنگ» است. از منظر پیروان این رویکرد، «جنگ» را می‌توان در دو سطح متفاوت مورد بررسی قرار داد:

**اول.** سطح خرد که در آن نوع برخورد دو نیرو مدنظر است. این سطح مخصوص فرماندهان رزمی است که در صحنه‌ی عملیاتی حضور دارند و از آن به «تاکتیک» تعبیر می‌شود.

**دوم.** سطح کلان که در آن مدیریت کلیه نیروها در عرصه‌ی جنگ مدنظر است و این که چگونه باید تاکتیک‌ها را مدیریت نمود تا در نهایت پیروزی را برای بازیگر به ارمغان آورد. این سطح تحلیل با «استراتژی» شناسانده می‌شود<sup>[۱]</sup>. این تفکیک در قرون وسطی توسط نویسندگان ایتالیایی و اسپانیولی نیز مورد توجه جدی قرار گرفته و می‌توان ادعا نمود که از این زمان است که

به عنوان یک اصطلاح تخصصی درون مطالعات استراتژیک پذیرفته می‌شود.<sup>۱۲</sup> انتشار آثار نویسندگانی چون «بولو»، «ژرمن»، «گیبرت» و «دریاسالار «کاستکس» در نهایت این ایده را نهادینه نمود که «استراتژی» در دو سوی میدان جنگ قرار دارد؛ حال آن که «تاکتیک» در داخل میدان جنگ معنا و مفهوم می‌یابد (Collins, 1999, pp.1-16).

### ۲-۱. رویکرد فراستی

وقوع انقلاب صنعتی صرفاً ابعاد اقتصادی زندگی جمعی انسان را تحت تأثیر قرار نداد، بلکه افزون بر آن توسعه دایره‌ی توانمندی‌های رزمی انسان را نیز به دنبال داشت. معنای این سخن تحول ماهیت جنگ‌ها و ظهور فنی تخصصی در زمینه تأمین و ارائه نیازمندی‌های لازم به نیروهای جنگی در عرصه‌ی عملیاتی شد که بعدها از آن به لجستیک تعبیر گردید. چنانکه تحلیلگران این دوره - از قبیل روستو (Rostow)، اظهار داشته‌اند، جنگ در این مقطع به پدیده‌ای پیچیده که آمیزه‌ای از نیرو، امکانات، تحرکات و فرماندهی است؛ تبدیل می‌شود. در چنین وضعیتی تاکتیک صرفاً به چگونگی انجام تحرکات در صحنه‌ی نبرد دلالت دارد، حال آن که استراتژی افزون بر تاکتیک، فرماندهی و لجستیک را نیز در بر می‌گیرد (افتخاری، ۱۳۸۳، صص ۲۸-۱). تعاریف ارائه شده از سوی نویسندگانی همچون لیدل هارت (L.Hart)<sup>۱۳</sup> و فون مولتکه<sup>۱۴</sup> (Von Molteke) با همین رویکرد طرح و ارائه شده‌اند (لطفیان، ۳۱۷۶، صص ۱-۷).

### ۳-۱. رویکرد مدرن

ارتقای سطح توانمندی تخریبی انسان از رهگذر تولید سلاح‌های هسته‌ای و توسعه آن، در واقع جوهره‌ی ایده‌ی استراتژی سنتی را که بر اصل «پیروزی در جنگ» قرار داشت، به چالش فراخواند. در این دوران است که استراتژی معنای سنتی‌اش را از دست می‌دهد و استراتژین‌ها جهت حفظ این مقوله‌ی مهم به باز تعریف آن همت می‌گمارند. در نتیجه این اقدام، استراتژی به آمیزه‌ای از علم و هنر تبدیل می‌شود که حداقل دارای هشت رکن اصلی است:

اول. تعریف اهداف ملی متناسب با توانمندی‌ها و شرایط محیطی؛

دوم. تشخیص منابع قدرت ملی (اعم از سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه)؛

سوم. تجزیه و تحلیل وضعیت موجود با هدف شناسایی قدرت‌های مؤثر

و میزان سهم هر یک؛

چهارم. تصویر آینده مطلوب با مرجعیت منافع بازیگر؛

پنجم. تحلیل روش‌های مختلف اقدام و گزینش کارآمدترین روش‌ها؛

ششم. تحصیل اهداف با استعانت از منابع موجود؛

هفتم. تنظیم برنامه برای صیانت از دستاوردها؛

هشتم. توسعه‌ی سطح اهداف و توان ملی برای آغاز دور تازه‌ای از

طراحی استراتژیک در آینده!<sup>۱۵</sup>

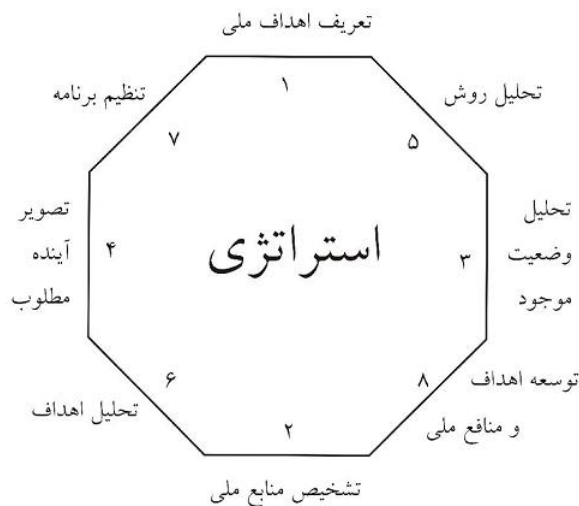
چنین می‌توان ادعا کرد که استراتژی در قالب رویکرد مدرن با بالاترین سطح از تکامل خویش دست یافته و همچنان که نویسندگانی چون «لارنس فریدمن» نشان داده‌اند، در دوران جنگ سرد استراتژی این امکان را می‌یابد تا با توسعه‌ی ابعاد و سطوح تأثیرگذاری‌اش، به مقوله‌ای کاملاً جدی و محوری

## ۲۰ □ قدرت نرم و تهدید سخت

در تحلیل‌های ملی و برنامه‌ریزی‌های فراملی تبدیل شود (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۲، صص ۴۱۰ - ۲۰). در این مقطع استراتژی به بلوری هشت وجهی تبدیل می‌شود که در قیاس با ادوار پیشین از تکثر و پیچیدگی بالایی برخوردار است. از این الگو با عنوان «۸ت» یاد کرده‌ام که مشتمل بر موارد زیر است (نگاه کنید به نمودار شماره ۱):

- یک. تعریف اهداف ملی
- دو. تشخیص منابع ملی
- سه. تحلیل وضعیت موجود
- چهار. تصویر آینده‌ی مطلوب
- پنج. تحلیل روش
- شش. توسعه اهداف
- هفت. تنظیم برنامه
- هشت. توسعه اهداف

نمودار شماره ۱: بلور هشت ضلعی استراتژی



#### ۴-۱. رویکرد پست مدرن

در پی طرح و توسعه‌ی ایده «جهانی شدن» شاهد شکل‌گیری فضای - تازه‌ای در مناسبات بین بازیگران می‌باشیم که مهمترین شاخصه‌های آن از منظر مطالعات استراتژیک، عبارتند از (افتخاری، ۱۳۸۰، صص ۲۹-۳۹):

##### ۴-۱-۱. تراکم زمانی

بدین معنا که سرعت تحولات در واحد زمان افزایش یافته و در نتیجه شاهد وقوع تغییرات بنیادین در دوره‌های زمانی کوتاهتری می‌باشیم. این پدیده منجر می‌شود تا طرح‌های استراتژیک به دلیل داشتن چشم‌انداز زمانی بلند مدت دچار آسیب شده و استراتژین‌ها مستند به احتمال بالای وقوع تحولات بنیادین، از تجویز برای آینده احتراز جویند. این واقعیت که گمانه‌زنی‌های استراتژیک نیازمند وجود نوعی از ثبات منطبق تحولات مشخص هستند؛ دلیل این احتیاط را روشن می‌سازد و دلالت بر آن دارد که اصولاً استراتژی‌ها در این چنین وضعیتی امکان ظهور نمی‌یابند. به عبارت دیگر استراتژین‌ها مجبور به تحدید چشم‌انداز زمانی از میان‌مدت و بلندمدت به کوتاه‌مدت (که ویژگی بارز تاکتیک‌هاست) می‌باشند (Sec Knok, 1994, pp.14-20).

##### ۴-۱-۲. تراکم مکانی

پیدایش ارتباط وثیق بین بخش‌های مختلف از نظام جهانی، منجر شده تا تعدادی عوامل مؤثر در شکل‌گیری یک پدیده از تکثر قابل توجهی برخوردار گردد. بر این اساس بازیگران علی‌رغم بعد جغرافیایی، در سرنوشت یکدیگر تأثیرگذار حاضر می‌شوند و این امر پدیده تازه‌ای را شکل می‌دهد که از آن به

«تراکم مکانی» تعبیر می‌گردد. از سوی دیگر تحلیل‌های استراتژیک اگرچه جامع هستند، اما برای «جامع‌نگری» نیازمند تحدید حوزه بازیگران به «بازیگران مؤثر» هستند تا از این طریق بتوانند برای رفتارهای احتمالی به سناریوسازی همت گمارند. بدیهی است که تکثر و تعدد این عوامل استراتژیست‌ها را با نوعی مشکل در مقام طراحی استراتژیک مواجه می‌سازد (See William, 1999, pp.4-6).

ملاحظات از قبیل آنچه آمد دلالت بر آن دارد که «آینده» بسیار پیچیده‌تر و متحول‌تر از آن است که بتوان برای آن طرحی خاص را پیشنهاد داد. به عبارت دیگر «آینده» به سادگی دوره‌های قبل، به فراچنگ تحلیل استراتژین‌ها در نمی‌آید. لذا باید پذیرفت که «عصر استراتژی» به پایان رسیده و لازم است که بار دیگر به «تاکتیک‌ها» که قلمرو زمانی کوتاهتری را شامل می‌شوند، رجوع شود<sup>۶۱</sup> به عبارت دیگر رویکرد پست مدرن اصل امکان و توان طراحی استراتژی زیر سوال برده و از این حیث از سه رویکرد پیشین متمایز می‌گردد.

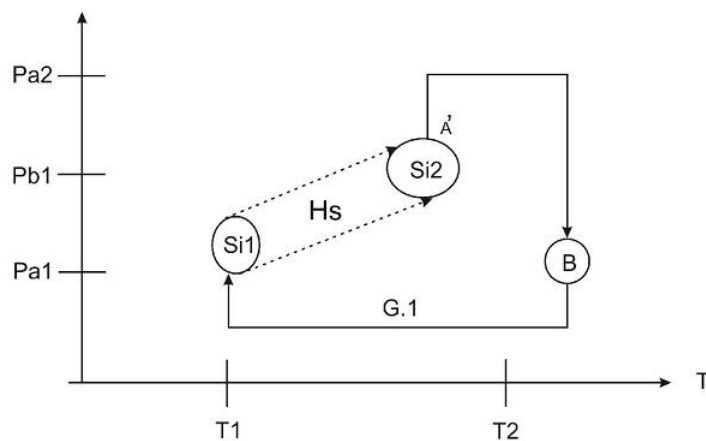
## ۲. گونه‌شناسی استراتژی

با تأمل در رویکردهای چهارگانه مشخص می‌شود که گذشته از رویکرد پست مدرن که به دلیل نفی هویت استراتژی از گستره مطالعه نوشتار حاضر خارج می‌گردد<sup>۶۱</sup> سه رویکرد دیگر نگاهی ایجابی به استراتژی دارند و هر یک بر گونه‌ای خاص از استراتژی دلالت دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

## ۲-۱. استراتژی سخت

«استراتژی سخت» (Hard Strategy) عنوان کلانی است که نویسنده به تبع «جوزف نای» (Joseph Nye) در بحث از منابع قدرت (See Nye, 2001, p22)، آن را برای استراتژی‌هایی به کار می‌برد که هدف اصلی در آنها ارتقای توان نظامی، اقتصادی، فناوری و ... (چهره‌های سخت قدرت) بازیگر در مواجهه با سایر بازیگران برای افزایش امکان وی در تحصیل اهدافش می‌باشد. از این منظر استراتژی‌های سخت، مقولاتی «کمی و عینی» ارزیابی می‌شوند که بر اساس آن، بازیگر A نسبت به ارتقای توان خویش (از P1 به P2) طی یک دوره‌ی زمانی مشخص (از T1 به T2) به منظور بهبود جایگاه خویش در قبال بازیگر رقیب B (از موقعیت Si1 به Si2)، اقدام می‌ورزد. در نتیجه این اقدام، نوع بازی A در قبال B از وضعیت نامطلوب «تحت سلطه» (G1) به وضعیت مطلوب «اعمال سلطه» (G2) تغییر می‌یابد (نگاه کنید به نمودار شماره ۲).

نمودار شماره (۲): الگوی استراتژی سخت



Pa=Power of A	میزان قدرت بازیگر A
Pb=Power of B	میزان قدرت بازیگر B
T=Time	زمان
Si=Situation	موقعیت
G=Game	بازی (قدرت)
Hs=Hard Strategy	استراتژی سخت
A & B	بازیگران عامل و رقیب

توضیح نمودار: در استراتژی‌های سخت افزارانه، تلاش می‌شود تا موقعیت بازیگر A در مقابل بازیگر B از طریق افزایش سطح قدرت آن از Pa1 به Pa2 طی زمان مشخص و برنامه‌ریزی شده‌ای (T1, T2)، بهبود یابد. به عبارت دیگر استراتژی سخت با معیار قراردادن شاخص‌های کمی و عینی‌ای چون توان اقتصادی، نظامی و ... تلاش می‌نماید تا از موقعیت ضعیف Si1 به موقعیت برتر Si2 نقل مکان نماید و بدین ترتیب از «تحت سلطه» به «عامل سلطه» در مقابل B تبدیل گردد.

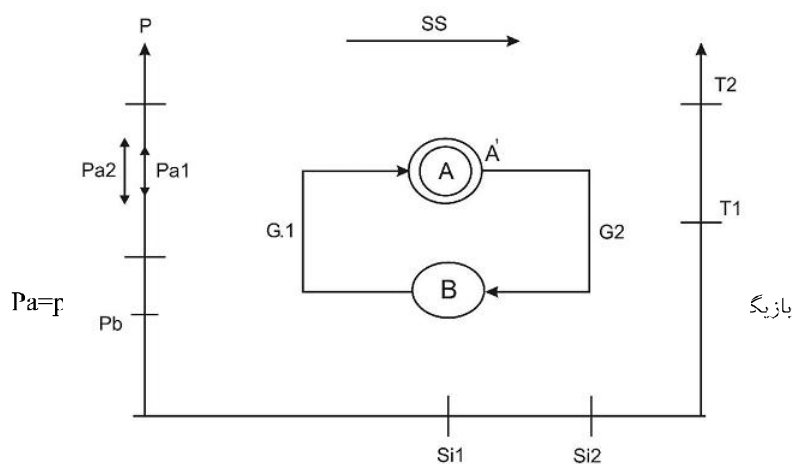
## ۲-۲. استراتژی نرم

«استراتژی نرم» عنوان کلانی است که برای مجموعه‌ای از استراتژی‌ها به کار می‌رود که هدف اصلی آنها تقویت میزان سرمایه اجتماعی نظام سیاسی با هدف ارتقای جایگاه بازیگر در معادلات استراتژیک منطقه‌ای یا بین‌المللی می‌باشد. توجه به شاخص‌هایی چون مشروعیت، مقبولیت، رضایتمندی و ... از جمله منابعی هستند که در این گونه از استراتژی‌ها مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند (میرطاهر، ۱۳۸۳، صص ۱-۴۰). به عبارت دیگر، چنانچه بازیگر A



بنا به هر دلیلی نتواند در حوزه سخت‌افزاری به تقویت منابع قدرت خود و افزایش سطح توانمندی‌اش در قبال سایر قدرت‌ها نائل آید، در آن صورت می‌تواند از طریق اقدام به توسعه توانمندی‌های داخلی (نرم‌افزاری) خود و ارتقای آن از موقعیت  $Si2$  (بر روی نمودار شماره ۳) به تغییر نوع بازی (از وضعیت تحت سلطه -  $G1$  به وضعیت اعمال سلطه -  $G2$ ) طی زمان مشخص (از  $T1$  به  $T2$ ) نائل آید.<sup>[۸]</sup> استراتژی‌های نرم در واقع از طریق رشد درونی و تولید قدرت ناشی از حمایت مردمی از سیاست‌های نظام سیاسی، به بهبود وضعیت بازیگر در عرصه معادلات استراتژیک کمک می‌نمایند. به همین دلیل است که بسیاری از تحریم‌ها یا مشکلاتی که در زمینه اجرای استراتژی‌های سخت وجود دارد، اصولاً در این سطح معنا و مفهوم نمی‌یابند. از سوی دیگر هنر و مهارت مربوط به احیای منابع نرم قدرت، بسیار متفاوت از منابع سخت بوده و ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دربر می‌گیرد که بر بنیاد مفهوم محوری «رضایت‌مندی» قرار دارد (گالبرایت، ۱۳۸۲، ص ۱۲). در این چشم‌انداز، تأسیس و تقویت سطح رضایت‌مندی مردم از نظام سیاسی، به هدف اول استراتژی‌های نرم تبدیل می‌شود.

نمودار شماره ۳: الگوی استراتژی نرم



قدرت بازیگر B      Pb=power of B      استراتژی نرم      Ss=soft Strategy  
 بازی (قدرت)      G = Game      موقعیت      Si = situation

توضیح نمودار: بدلیل وجود موانع زمانی و قدرتی، پاره‌ای قادر به تغییر موقعیت استراتژیک خود مطابق الگوی مطلوبشان در مقابل بازیگر رقیب B نمی‌باشند. در این موقع بهترین روش توجه به منابع نرم‌افزاری و ارتقای جایگاه استراتژیک مستند به ظرفیت‌های درونی می‌باشد. بدین ترتیب توان بازیگر A تا حد A' قابل افزایش ارزیابی می‌شود. بر این اساس می‌توان به گونه‌ای دیگر از استراتژی نیز اشاره داشت که با عنوان «استراتژی تلفیقی» از آن یاد می‌شود.

### ۳. ضد استراتژی

«ضد استراتژی» (Anti – strategy) به طرحی اطلاق می‌شود که بازیگر رقیب با هدف تضعیف موقعیت بازیگر هدف، تهیه و به اجرا می‌گذارد. با تأمل در متون و مدل‌های طراحی ضد استراتژی می‌توان به دو تلقی متفاوت - اما مکمل - از آن دست یافته که عبارتند از:

#### ۳-۱. ضد استراتژی به مثابه یک واکنش انفعالی

«ضد استراتژی انفعالی» (Passive Anti – Strategy) از رهگذر نفی «استراتژی عامل» حاصل می‌آید. بدین صورت که می‌تواند «سخت» یا «نرم» باشد و در هر حالت تلاش رقیب برای ممانعت به عمل آوردن از توفیق بازیگر رقیب در توسعه منابع سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری اش را شامل می‌شود. رقابت منفی، خرابکاری، عدم همکاری، توطیه و ... از جمله عناوینی هستند

که بر ضد استراتژی‌ها در این سطح اطلاق می‌شوند. این تلقی از «ضداستراتژی» فعالیتی «انفعالی» و «سلبی» ارزیابی می‌شود و از حیث تاریخی دارای پیشینه طولانی‌ای در بازی قدرت بین بازیگران می‌باشد.<sup>[۹]</sup>

### ۲-۳. ضداستراتژی به مثابه یک اقدام فعال

اگرچه واکنش انفعالی در قبال استراتژی‌های عامل، ضرورتی غیرقابل انکار دارد، اما تجربه نشان داده است که اتکاء بازیگر در صحنه رقابت سیاسی به ضد استراتژی‌های انفعالی و استمرار این وضعیت پیامدهای منفی‌ای برای او به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به کاهش توان استراتژیک بازیگر در مواجهه با استراتژی‌های نوین بازیگر عامل، افزایش هزینه‌های مقابله در بستر زمان، افت جایگاه استراتژیک کشور در سلسله مراتب قدرت منطقه‌ای و جهانی به دلیل تعدد واکنش‌های انفعالی‌اش و ... اشاره داشت<sup>[۱۰]</sup>. به همین دلیل تلاش برای خارج شدن از موقعیت انفعالی و طرح «ضداستراتژی» به عنوان یک اقدام «فعال» در پس از دوران جنگ، ضرورتی غیر قابل انکار یافته است. بر این اساس شاهد ظهور نسل جدیدی از «ضداستراتژی‌ها» می‌باشیم که هدف از آنها تضعیف یا قطع دسترسی بازیگر عامل به منابع قدرتی است که مبنای طراحی و اجرای استراتژی‌های اقدام او در دو سطح سخت‌افزاری و یا نرم‌افزاری می‌باشند. به عبارت دیگر در این گونه از «ضداستراتژی» شیوه مقابله با «بازیگر عامل» تغییر یافته و «بازیگر رقیب» به جای برخورد «برنامه» و «نتایج» استراتژی عامل، به سراغ منابع قدرتی که بنیاد اجرایی شدن استراتژی عامل را شکل می‌دهند، رفته و تلاش می‌نماید با تحدید دسترسی بازیگر عامل به این منابع عملاً امکان اجرای «استراتژی» را از او بگیرد. نتیجه‌ی این اقدام می‌تواند حفظ

وضع موجود و یا تغییر آن به نفع بازیگر رقیب باشد که در نوشتار حاضر نویسنده با عنوان «ضداستراتژی فعال» (Active Anti – Strategy) از آن یاد می‌نماید. با این تفسیر مشخص می‌شود که «ضداستراتژی‌های» نوین، از آن حیث که معطوف به مبانی (منابع قدرت بازیگر رقیب) هستند از گونه‌های سنتی که معطوف به نتایج و پیامدها بودند، متمایز می‌شوند و به همین دلیل در مقام طراحی و عملکرد از اصول و ضوابطی متمایز تبعیت می‌نمایند.

بر این اساس «ضداستراتژی فعال» طراحی جامع بر پایه ملاحظات زیر تعریف و شناسانده می‌شود:

**اول.** ضداستراتژی معطوف به منابع قدرت بازیگر مقابل در مقام طراحی و اجرای استراتژی‌اش (استراتژی عامل) می‌باشد. بدین معنا که بجای اخلاص در «استراتژی بازیگر رقیب»، منابع سخت‌افزاری و «نرم‌افزاری» آن را هدف قرار می‌دهد.

**دوم.** ضداستراتژی در سطح مدیریت منابع نرم‌افزاری به استفاده از طراحی و اجرای «انقلاب‌های رنگی» منتهی می‌شود که هدف از آنها تضعیف بنیادهای مردمی قدرت رسمی است. در این حالت نظام سیاسی دچار بحران مشروعیت شده و به دلیل از دست دادن حمایت‌های مردمی، قادر به بازیگری در مقابل دیگران نبوده و در نتیجه مجبور به پذیرش خواسته‌های دیگران و تأمین منافع ایشان می‌گردد. این وضعیت می‌تواند تا «تغییر رژیم» استمرار یابد و بدین وسیله ساخت قدرت دچار تحول می‌گردد.

سوم. ضداستراتژی در سطح مدیریت منابع سخت‌افزاری بدنبال «تضعیف» توانمندی بازیگر هدف می‌باشد. در این راستا، برنامه‌های زیر به صورت معناداری مدنظر می‌باشند:

- تحریم؛ که با هدف اعمال فشار از ناحیه بیرونی بر نظام سیاسی جهت ایجاد مشکل در تأمین نیازهای عمومی‌اش، صورت می‌گیرد.
- مهار؛ که با هدف جلوگیری از توسعه توانمندی‌ها به صورت بومی و از طریق استفاده از امکانات داخلی، صورت می‌گیرد.

به عبارت دیگر «تحریم» و «مهار» مکمل یکدیگر بوده و به تحدید قابلیت‌های داخلی و خارجی بازیگر جهت دسترسی به دانش، مهارت، ابزار و مکانیزم تولید قدرت منجر می‌شود. بدین ترتیب بازیگر هدف در موقعیتی مبتنی بر «ناتوانی» قرار می‌گیرد که ضعیف‌ترین موضعیت در معادلات استراتژیک به شمار می‌آید.

**چهارم.** ضداستراتژی فعال در مقام مقایسه با ضداستراتژی انفعالی، از حساسیت به مراتب کمتری برخوردار می‌باشد. دلیل این امر آن است که ضداستراتژی انفعالی به دلیل داشتن رویکرد سلبی به ناچار در قالب اقداماتی چون جاسوسی، خرابکاری، ایراد ضربه نظامی و ... معنای عملیاتی می‌یابد که در چشم‌انداز جهانی اموری غیر قابل توجه ارزیابی می‌شوند. به عبارت دیگر احتمال اطلاق عنوان «دشمن» بر بازیگر عامل به دلیل انجام چنین اقداماتی بسیار زیاد است و این موضوع به تولید تصویری از بازیگر رقیب کمک می‌نماید که به خاطر تحت ظلم واقع شدن، قادر به جذب حمایت عمومی و حقوقی دیگران برضد عامل خواهد بود. اما در ضداستراتژی فعال، تحریم یا مهار در قالب سیاست مبتنی بر رقابت و یا توجیهات دیپلماتیک لازم، همراه

است. به همین دلیل ایجاد اجماع در قالب مهار و تحریم برضد رقیب به مراتب ساده تر و کارآمدتر می‌باشد.

**پنجم.** ضداستراتژی فعال در مقام مقایسه با ضداستراتژی انفعالی، کارآمدتر نیز ارزیابی می‌شود. دلیل این امر آن است که در ضداستراتژی فعال، منابع قدرت بازیگر هدف تضعیف می‌شوند؛ لذا احتمال این که این کشور بتواند در قالب برنامه‌های بدیل به اهداف قبلی نائل آید، به شدت کاهش می‌یابد. حال آن که در ضداستراتژی انفعالی، بدلیل مصون ماندن منابع قدرت، احتمال بازسازی برنامه و اقدام مجدد بازیگر در قالب استراتژی‌ای نوین می‌رود.

**ششم.** ضداستراتژی‌های انفعالی در بهترین حالت به تحمیل انزواگرایی به بازیگر هدف منجر می‌شوند. بدین ترتیب که شکست او در استراتژی‌اش آن را به موفقیت اولیه‌اش باز می‌گرداند.

**هفتم.** ضداستراتژی فعال از حیث عنصر زمان، دارای پایایی به مراتب بیشتری در قیاس با ضد استراتژی انفعالی است. دلیل این امر آن است که در ضداستراتژی فعال، کانون‌های قدرت مورد آسیب واقع می‌شوند و تجربه نشان داده است که بازسازی منابع قدرت در مقابل بازسازی ساختارهای اعمال قدرت، به مراتب دشوارتر و زمان برتر است.

مجموع ملاحظات بالا دلالت بر آن دارد که «ضداستراتژی» فعال به عنوان راه کاری مؤثر در مقام مقابله با بازیگران رقیب در عرصه‌ی سیاست بین‌المللی به شمار می‌آیند.

## نتیجه گیری

«جهان در قرن بیست و یکم تحولی شگرف را از ناحیه فرآیند جهانی شدن می‌آزماید که در آن کل افراد ساکن بر روی کره زمین به مثابه اعضای واحد سیاسی مشترکی تلقی می‌شوند. این امر زندگی در هزاره‌ی جدید را به تهدیدهای تازه‌ای گرفتار می‌سازد که حل و فصل آنها به سادگی میسر نیست» (افتخاری، ۱۳۸۰، ص ۲۰).

پیش‌بینی «کمیسیون اداری مسائل جهانی» در آستانه‌ی ورود جهان معاصر به هزاره‌ی سوم، با توجه به تحولات بنیادینی که جهان در سطوح سیاسی، اقتصادی، ارتباطی و فرهنگی تجربه می‌نماید، به میزان زیادی مطابق واقع ارزیابی می‌شود. به همین دلیل است که عده‌ای از تحلیلگران حوزه‌ی مسائل استراتژیک و امنیتی بر روی ابعاد ناامنی‌زای جهانی شدن به مثابه عاملی مؤثر که قواعد و اصول معادلات استراتژیک سنتی را به شدت به چالش فراخوانده است، تأکید دارند<sup>۱۱</sup>. با این حال شاید کمتر اندیشه‌گری را بتوان سراغ گرفت که دامنه‌ی این تغییر را تا تحول در ماهیت استراتژی توسعه داده باشد. در واقع سیر فزاینده‌ی تغییرات در سالهای پایانی جنگ سرد و مشخص شدن ناکارآمدی بسیاری از استراتژی‌ها در مقام عمل (با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و توسعه‌ی ناامنی‌ها به قلمرو قابل توجهی از نظام بین‌الملل)، پژوهشگران و استراتژیست‌ها را به ضرورت پذیرش این ایده (یعنی بازنگری در ماهیت استراتژی) رهنمون ساخت و بدین ترتیب مقطع نوینی در مطالعات استراتژیک آغاز می‌شود که ثمره شاخص آن بازاندیشی در ماهیت و الگوی «ضد استراتژی‌های سنتی» - یعنی نرم‌افزاری شدن آنها - می‌باشد.

نوع منابع قدرت، شکل‌گیری فضای نوین بین‌المللی که به عبارت مشخص اعمال سیاست‌های سخت‌افزاری را در مقام اجرای طرح‌های استراتژیک با دشواری و در نتیجه افزایش هزینه‌ها در مقایسه با نتایج اندک آن مواجه می‌سازد، تعریف شبکه‌های ارتباطی فراملی که اجرای استراتژی‌های تحریم یا معار را عملاً دچار مشکل می‌سازد. بازگشت ملت‌ها به عرصه استراتژی‌ها در قالب حمایت‌های ملی از حکومت‌ها، و ... از جمله پدیده‌هایی هستند که در نهایت بازیگران رقیب را از اتکاء صرف به ضداستراتژی‌های مبتنی بر اعمال فشار سخت‌افزارانه (در اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...) باز می‌دارند. در واقع مشخص شدن این واقعیت که اراده‌ی ملت‌ها در تعریف استراتژی‌ها نقش اصلی را ایفا می‌نماید، بازیگران رقیب را به آنجا رهنمون می‌شود تا منابع قدرت اجرای «استراتژی‌ها» را در منابع سنتی سخت‌افزارانه منحصر ندانسته و رکن تازه‌ای بعنوان «منابع نرم‌افزارانه ناشی از حمایت مردمی» که بر «مشروعیت» و «رضایت‌مندی» استوار است را با اولویت نخست مورد توجه قرار دهند. بواسطه‌ی چنین تغییر رویکردی است که «ضداستراتژی» نیز متحول شده از پدیده‌ای انفعالی (که در پی ایراد ضربه به استراتژی ملی بازیگر رقیب است)، به مقوله‌ی فعال (که در مقام تضعیف یا قطع دسترسی بازیگر به منابع قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری‌اش است) تبدیل گردد.

آشنایی و تحلیل تصویر ارائه شده از ضداستراتژی در مقاله‌ی حاضر، از آن روی در سطح مطالعات و معادلات استراتژیک ضروری می‌نماید که: اولاً به توسعه بینش سیاسی ما از نوع رفتار رقبا، مان در عرصه سیاست بین‌المللی جدید کمک می‌نماید، ثانیاً - خط مشی و سمت و سوی استراتژی ملی کشور



برای نیل به اهداف استراتژیک مذکور در سند چشم انداز ۱۴۰۴ را مشخص می‌سازد و بالاخره آن که اهمیت و اولویت طراحی «ضد استراتژی‌های» مناسب برای رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را روشن می‌سازد. به عبارت دیگر این نکته‌ی مهم را یادآوری می‌نماید که نمی‌توان بدون داشتن استراتژی‌ای مدون جهت بازیگران رقیب، به توفیق نسبی در نیل به اهداف استراتژی ملی اندیشید؛ چرا که «استراتژی» و «ضد استراتژی» دو پدیده‌ی متفاوت اما مکمل یکدیگر هستند. از این حیث چنین به نظر می‌رسد که مراکز مطالعات استراتژیک و نهادهای اجرایی در عرصه‌ی سیاست خارجی، لازم است تا نسبت به این مهم حساس بوده و توجه به «ضد استراتژی» را همچون توجه به تدوین «استراتژی ملی» جدی قلمداد نمایند.

## یادداشت‌ها

[۱]. این تلقی از حیث تاریخی مورد توجه نخستین نویسندگان در خصوص جنگ بوده است؛ به گونه‌ای که ظهور اولین استراتژی‌ها با عنایت به همین تقسیم‌بندی توجیه و تفسیر می‌شده است. در این خصوص ر. ک.

C. von Clausewitz, **On War**, London, Routledge, 1982.

[۲]. البته در این خصوص باید به دیدگاه اندیشه گرائی چون «فرویترا» و «پویی سگور» نیز اشاره داشت که قائل به جایگزینی واژه «تاکتیک» به جای استراتژی بودند. ایشان تاکتیک را به دو گونه عالی و دانی تقسیم می‌کردند. تاکتیک عالی در واقع معادل استراتژی بوده و تاکتیک دانی دربرگیرنده علم استحکامات و نوع برخورد با دشمن که سابق بر آن واژه تاکتیک شناسانده می‌شد.

[۳]. لیدل هارت از جمله مشهورترین نویسندگان انگلیسی در زمینه تحلیل استراتژی می‌باشد که در فاصله زمانی ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ آثار درخور توجهی را ارائه نموده است. اثر مهم او در این زمینه کتاب «استراتژی رهیافت غیر مستقیم» است که بر مبنای ایده‌ی «تضعیف دشمن قبل از اقدام» قرار دارد.

[۴]. فون مولتکه استراتژی را عبارت از سازگار کردن اقدام نظامی با ابزارهای تحت اختیار ژنرال با هدف دستیابی به اهداف سیاسی می‌داند. تاکید وی بر این که استراتژی نوعی هنر است که عمل را با ابزارهای قدرت در راستای اهداف سیاسی تلفیق می‌کند، از جمله نکات نوآورانه تعریف او از استراتژی به شمار می‌آید.

[۵]. اصول هشتگانه از منابع زیر استنباط شده‌اند:

Modern Strategy. op.cit., pp.206 – 73; John Baylis et.al., **Contemporary Strategy**. London, Croom Helm, 1975; A. Bernstein (ed), **The Making of Strategy; Rulers, States & War**. Cambridge, C.U.P., 1994; Andre Beaufre, **An Introduction to Strategy**. London, Faber, 1965.

[۶]. این موضوع در نخستین «همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران» که در زمستان سال ۱۳۸۲ برگزار گردید. به صورت مبسوط از سوی سخنرانان و اعضای مختلف حاضر در نشست های تخصصی طرح و مورد بررسی واقع شد. به منظور اطلاع از استدلال های طرفین: ر. ک. **مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران**. (مجموعه مقالات)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴.

[۷]. نقد و بررسی مبانی و مقتضیات رویکرد چهارم موضوعی مستقل است که مجال پرداختن به آن در نوشتار حاضر نیست. در واقع رویکردهای پست مدرن با گذر از «استراتژی»، بنیاد ساختارهای معرفتی تازه ای را می گذارند که در آن طرح و برنامه اصول و چارچوب رفتاری، و آینده نگری با معنایی متفاوت از عصر سنتی و فراستی درک می شود. به همین دلیل است که دستگاه تحلیل و فهم پدیده ها و فرآیند تصمیم سازی، نیز تغییر و تحول می یابد. در این چشم انداز تازه «خرده نگری» و «متن محوری» اولویت می یابند که نتیجه آن برنامه ریزی کوتاه مدت تا طراحی های استراتژیک است.

[۸]. لازم به ذکر است که در این الگو نیز جهت آسان سازی الگوی عملیاتی، رفتار B ثابت انگاشته شده است. طبیعی است که در صورت اجرای استراتژی نرم افزارانه مشابهی از سوی B، لازم است تا نتایج کاربردی استراتژی A به نتایج کاربردی استراتژی B ارجحیت داشته باشد، تا نتیجه گیری بالا همچنان صادق ارزیابی گردد.

[۹]. معنا و الگوهای ضداستراتژی های انفعالی دارای پیشینه تاریخی - کاربردی قابل قبولی در مطالعات استراتژیک می باشند و از دیرباز به عنوان یکی از الگوهای کارآمد در خصوص کشورداری مطرح بوده اند. در این خصوص: ر. ک. آ. ا. ب.